

آیا زمان برای طرح لائیسیته مناسب است ؟



حسن بهگر



امروز ابراز نارضایتی و بحث ختم دخالت ملایان در امر سیاست به یک امر روزانه در زندگی ایرانیان بدل شده است. منتها برخی برای مقابله با سلطه ی آخوندها به بیراهه می روند و به جای نقد اختلاط دین و سیاست، بی محابا به جنگ اسلام می شتابند. عده ای دیگر با تعریف و تمجید اغراق آمیز از زرتشتیگری برگشت به آن دین را توصیه می کنند و برخی با شیعه گری و رافضی خواندن آن سنی گری را تبلیغ می کنند و عده ای اصولا تا همه ی آخوندها و قاری ها و مداح ها را دار نزنند آرام نمی گیرند! متأسفانه همه ی اینها بیراهه می روند و در نهایت جنگ مذهبی و برادرکشی را تجویز می نمایند.

اگر ما لائیسیته را توصیه می کنیم به این سبب است که بهترین وسیله و صلح آمیزترین راه حل برای جلوگیری از چنین فجایعی است که به سبب انباشه شدن بغض و کینه در حکومت دینی ایجاد شده است. آنهایی که شیعه گری را رد می کنند تا سنی گری را به جای آن بنشانند غافل از آن هستند که چه خواب آشفته ای برای ایران می بینند. بیهوده نیست که برخی «روشنفکران» بهایی هم به فکر آن افتاده اند که دین مردم را بهایی کنند. از جانب دیگر فرقه های مختلف مسیحی هم ایران را طعمه خوبی دیده اند و سهم خود را می

طلبند. متأسفانه تمام کوشش‌ها و تبلیغات گروه‌های دینی که می‌تواند در جهت لائیسیته یعنی احترام به تمام ادیان ولی بدور از سیاست باشد در جهت بالعکس آن یعنی جنگ مذهبی مصروف می‌شود.

حال جمعی دیگر معلوم نیست بر چه اساسی می‌گویند که لائیسیته برای ایران زود است یا تند است و جامعه حاضر به پذیرش آن نیست و اگر گروه‌ها بر این مطلب پافشاری کنند جامعه ملتهب و چنین و چنان خواهد شد.

این سخن بی پایه است زیرا حکومت اسلامی از آغاز حیات خود زمینه را با فشارهای بی حد و اعدام‌ها و سختگیری‌ها و اشاعه خرافات آماده کرده است. کار بدانجا رسیده است که رهبران یا مسئولان مذهبی خود اقرار به سست شدن عقاید مذهبی و رضایت نه تنها مردم بلکه حوزه علمیه کرده‌اند.

خود سردمداران حوزه از جمله مصباح یزدی اعتراف می‌کند: «برخی در حوزه علمیه همان حرفی را می‌زنند که تفکر سکولاریسم غرب می‌گوید.» (1)

آیت‌الله محمد یزدی رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به طلبه‌ها اخطار می‌دهد: «آخوند سکولار به حال اسلام مضر است.» (2)

همین چند روز پیش بود که آخوند محمدی عراقی گفت: «خطر سکولاریسم نو در حوزه علمیه قم جدی است.» (3)

امروز پس از 42 سال حکومت حتا برخی از نواندیشان دینی خود پیشقدم جدایی دین از دولت شده‌اند. (4)

مخالفت با حجاب تقریباً فراگیر شده است و بسیاری از متدینین می‌گویند که مدرک و دلیل قاطعی برای اثبات وجوب «تفسیر رسمی از حجاب» وجود ندارد.

نواندیشان دینی به این بسنده نکرده به رهبران مصر نامه نوشته‌اند که: «همان‌طور که می‌دانید ملت ایران در سال 1979 استبداد شاهنشاهی را سرنگون و به تأسیس نظام جمهوری اسلامی رأی داد. این رأی که با 2/98 درصد آراء مردم در طیف گسترده آن با عقاید متفاوت و با اعتماد به سخن رهبر روحانی آن که صریحاً وعده داده بود روحانیون قصد حکومت ندارند و خود به حوزه‌های علمیه باز خواهد گشت، تثبیت شد، در واقع رأی به برچیده شدن بساط استبداد

و برپائی آزادی، عدالت اجتماعی و ارزش های اخلاقی و دینی بود، اما نه توده های مردم و نه رهبران دینی، طرح تدوین شده ای از حکومت اسلامی نداشتند و جز کلیاتی از حکومت عدل علوی چیزی ارائه نکردند. به این ترتیب رژیم سابق، قبل از آنکه نظامی نوین طراحی و تدوین گردد، برچیده شد و در غیاب احزاب و نهادهای مستقل مردمی که در دوران استبداد سلطنتی سرکوب شده بود، بخشی از نهاد مستقل روحانیت شیعه که با ساختار ویژه و تشکیلات سنتی خود باقی مانده بود، توانست قدرت را با تکیه بر تقلید سیاسی اقشار سنتی و با سوء استفاده از عواطف و احساسات مذهبی مردم در انحصار گیرد.» سپس این گروه در ادامه می افزایند: «تجربه تلخ ملت ما اینک فراروی شماست. آزموده را بار دیگر نیازمائید. شما در اصل چهارم پیش نویسی که به عنوان قانون اساسی مصر تهیه کرده اید، شیخ الازهر و علمای این دانشگاه و حوزه علمیه بزرگ اسلامی را در جایگاهی قرار داده اید که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای فقهای شورای نگهبان، که منصوب رهبری هستند، قرار داده است.» (5)

این نامه که بصورت کامل نیز در دسترس نیست و به نقل از کیهان شریعتمداری نقل شده است فریاد متولیان حکومت را در آورده است ولی باید توجه داشت هنگامی که نواندیشان دینی ما حتا به کشورهای دیگر خاورمیانه جدایی دین از دولت را توصیه می کنند دیگر چه جای شک و شبهه در آمادگی مردم ایران باقی می ماند؟

بد نیست برای حسن ختام بخشی از زمینه های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر نوشته حسین بشیریه که به فاصله گرفتن مردم از دین و شریعت حکومتی پرداخته است بیاورم.

«پیدایش شکاف فزاینده میان کردارهای عمومی و ایدئولوژی رسمی (به تفسیر افکار روحانیت) در طی سال های پس از انقلاب، موضوع بررسی ها و پژوهش های بسیاری بوده است. در یک برداشت کلی می توان گفت که ایدئولوژی گریزی زمینه ی نوعی شریعت گریزی و در نهایت سیاست گریزی را به معنایی ایدئولوژیک فراهم کرده است. در تقابل فزاینده میان ایدئولوژی رسمی و افکار عمومی، با توجه به خصلت دینی حکومت، اعتقاد و التزام مذهبی افراد بر طبق پژوهش های موجود دچار نقصان شده است. براساس یک پژوهش درحالی که در سال 1365، 89/3 درصد افراد مورد پرسش اعتقاد مذهبی خود را زیاد اعلام داشتند، در سال 1371 این رقم به 43/2 درصد کاهش یافت. در مقابل افرادی که در سال 1365 میزان اعتقاد دینی خود را کم یا خیلی کم اعلام داشتند 2% جمعیت نمونه بود. این رقم در سال 1371

به 27/6 درصد افزایش یافته بود. [ملک پور، 1378] در جمع بندی یافته های پژوهش مورد نظر آمده است که به طور کلی هرچه از زمان انقلا و جنگ فاصله می گیریم، این پایبندی های (مذهبی) روندی نزولی را نشان می دهد... (تحقیقات) حکایت از کاهش باورهای مذهبی جوانان و کاهش حضور و مشارکت آن ها در مساجد و مراسم مذهبی دارد (به ویژه) از سال 1368 به تدریج شاهد نوعی تغییر ارزش ها در جامعه ایران و گرایش به طرف ارزش های مادی، ثروت، تجمل گرایی و کمرنگ شدن تدریجی مضامین (مذهبی) بودیم. (6)

(ملک پور، 1378:115 به نقل از رفیع پور، 1378)

در پژوهش دیگری که در سال 1371 و در بین 479 نفر دانش آموز در خصوص میزان شرکت در نماز جماعت صورت گرفت نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که در بین افراد نمونه تحقیق جمعاً 14/9 درصد همیشه یا اغلب برای نماز به مسجد می روند؛ 16/9 درصد گهگاه به این کار مبادرت می ورزند و در مقابل 38/8 درصد هیچگاه برای ادای نماز به مسجد نمی روند (ملک پور، 1378: 104 به نقل از کلهر، 1371)...

براساس پژوهش دیگری که در سال 1378 انجام شده نتایج به دست آمده حاکی از آن است که از جمعیت آماری مورد نظر در سال 1378، 3/3 درصد، هر هفته به نماز جمع می رفته اند، 6&55 درصد هیچگاه به نماز جماعت نرفته اند، 37 درصد اصولاً به نماز جماعت نمی روند و 11/7 درصد مرتب در نماز جماعت شرکت می کنند. « (5)

خلاصه کنم: دو عامل کلان به بی پایگی این ادعا که مردم برای پذیرش لایسیسته آمادگی ندارند، حکم می کند. یکی آمارگیری که نمونه اش را دیدید و هر قدر هم بخواهیم در قبولش احتیاط به خرج بدهیم، بسیار روشن به ما می گوید که مردم از دین فاصله گرفته اند، یعنی روند سکولاریسم که چند سده در اروپا طول کشید، در کشور ما به سرعت تمام و در عین وجود حکومت مذهبی پیشرفت کرده است، روند سکولار شدن هم که می دانیم زمینه ساز لایسیسته است. دیگر اینکه فکر جدایی دین از سیاست در بین روحانیت و اندیشمندان مذهبی نیز به سرعت پیشرفت کرده است. یعنی خود روحانیان هم روز به روز بیشتر خواست جدایی را ابراز می نمایند که نمونه های کوچکی از آن را آوردیم. همه چیز حکایت از دو شقه شدن ملایان بر سر سکولاریسم و لایسیسته است و ملایان خود بر زبان آورده اند و متأسفانه برخی از روشنفکران باور ندارند و معلوم

نیست بر چه اساسی چنین سخن می گویند.

اصلاً اگر مردم برای آزادی دینی آماده نیستند، از کجا معلوم که اصلاً برای آزادی سیاسی و دمکراسی آماده باشند؟

اگر این طور فکر می کنید، صریح بگویید و خیال همه را راحت کنید. در ضمن اگر اعتقاد دارید که می توان بدون آزادی دینی آزادی سیاسی هم داشت، توضیح بدهید و همه را روشن بفرمایید.

چهارشنبه - ۲۲ بهمن ۱۳۹۹

2021-02-10

(1)

<https://www.isna.ir/news/97122613709/%D9%85%D8%B5%D8%A8%D8%A7%D8%AD-%DB%8C%D8%B2%D8%AF%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%AE%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AD%D9%88%D8%B2%D9%87-%D8%B9%D9%84%D9%85%DB%8C%D9%87-%D9%87%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%AD%D8%B1%D9%81%DB%8C-%D8%B1%D8%A7-%D9%85%DB%8C-%D8%B2%D9%86%D9%86%D8%AF-%DA%A9%D9%87-%D8%AA%D9%81%DA%A9%D8%B1-%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%B3%D9%85>

-

(2)

<http://www.jahannews.com/news/695365/%D8%A2%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87-%DB%8C%D8%B2%D8%AF%DB%8C-%D8%A2%D8%AE%D9%88%D9%86%D8%AF-%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%B1-%D8%AD%D8%A7%D9%84-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-%D9%85%D8%B6%D8%B1>

- (3)

<https://www.dw.com/fa-ir/%D9%86%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%AE%D8%A7%D9%85%D9%86%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%B1%D8%B4%D8%AF-%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%B3%D9%85-%D8%AF%D8%B1-%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D9%82%D9%85/a-56465019>

(4) - ما خواهان جدایی دین و دولت در ایران هستیم؟

بیانیه تحلیلی جمعی از نواندیشان دینی

حسن یوسفی اشکوری-محمد جواد اکبرین-

عبدالعلی بازرگان-رضا بهشتی معز-سروش دباغ-

محمود صدری-رضا علیجانی-حسن فرشتیان-یاسر میردامادی

-صدیقه وسمقی

(5) -

<https://www.khabaronline.ir/news/266074/%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D9%BE%D9%86%D8%AC-%DA%86%D9%87%D8%B1%D9%87-%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD-%D8%B7%D9%84%D8%A8-%D9%85%D9%82%DB%8C%D9%85-%D8%AE%D8%A7%D8%B1%D8%AC-%D8%A8%D9%87-%D8%B1%D9%87%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B5%D8%B1>

(6)- زمینه های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر- حسین بشیریه- رویه 140/141

حسن بهگر

برگرفته از سایت ایران لیبرال